

نگاهی به اندیشه برخی از مردان بزرگ تاریخ درباره علی (ع)

امان امینی



طلیعه

ای علی (ع) قلم را کجا که عظمت تو را ترسیم کند، سخن را
 کجا که در شگفتی هایت لب گشاید و اندیشه کی به تو رسد، تو را
 که خدا «نفسی و جان» پیامبر (ص) دانسته است^۱ در شب
 در شب سرنوشت ساز «لیلة المبیت» در بستر پیامبر (ص)
 خوابیدی و در راه حقیقت، استوار ایستادی و با این عملت جان
 پیامبر (ص) را حفظ نمودی و آیه «رضایت»^۲ الهی مدال افتخار تو
 گشت.
 تو قرآن ناطقی و عدیل قرآن، تو هادی امت، مفسر قرآنی و
 قرآن بیانگر عظمت و ایثار و فداکاری تو ...
 که را توان وصف توست که پیامبر (ص) در وصف تو فرمود:
 اگر درختان قلم، دریاها مرکب، جن حسابگر و انس
 نویسنده شوند، نتوانند فضایل علی (ع) را بنویسند.^۳
 به راستی که فضایل علی (ع) اینچنین است. بر هیچ بیان و
 زبان و قلم و دفتر و کتاب برنگنجد و درحقیقت شمردن فضایل
 آن حضرت همچون پیمانۀ کردن آب اقیانوس است:
 «کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست
 که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم»
 علی بن ابیطالب (ع) آنچنان عزیز و عظیم است که دوست و





امام خمینی

امام خمینی (ره) در پیامی امام علی (ع) را اینگونه می‌شناساند: «دانشمندان بزرگ جهانی می‌خواهند مولا امیرالمؤمنین را معرفی کنند و به دیگران بشناسانند ... ما درباره شخصیت علی بن ابیطالب (ع) از حقیقت ناشناخته او صحبت کنیم یا با شناخت و مهجور خود؟»

اصلاً علی (ع) یک بشر ملکی و دنیوی است که ملکبان از او سخن گویند، یا یک موجود ملکوتی است که ملکوتیان او را اندازه‌گیری کنند؟

اهل عرفان درباره او جز با سطح عرفانی خود و فلاسفه و الهیون جز با علوم محدوده خود، با چه ابزاری می‌خواهند به معرفی او بنشینند، تا چه حد او را شناخته‌اند تا مهجوران را آگاه کنند؟

دانشمندان و اهل فضیلت و عارفان و اهل فلسفه با همه فضایل و با همه دانش ارجمندشان، آنچه از آن جلوه تام حق دریافت کرده‌اند، در حجاب وجود خود و در آینه محدود نفسانیت خویش است و مولا غیر از آن است.

پس اولی آن است که از این وادی بگذریم و بگویم علی بن ابیطالب (ع) فقط بنده خدا بوده و این بزرگترین شاخصه اوست که می‌توان از آن یاد کرد و پرورش یافته و تربیت شده پیامبر معظم‌الشان است و این بزرگترین افتخار اوست.

کدام شخصیت می‌تواند ادعا کند که عبدالله است و از همه عبودیتها بریده است جز انبیاء عظام و اولیاء معظم که علی (ع) آن عهد وارسته از غیر و پیوسته به اوست»^۵.

استاد مرتضی مطهری

شهید مطهری درباره علی (ع) می‌نویسد: «سراسر وجود علی (ع)، تاریخ و سیرت علی، خلق و خوی علی، رنگ و بوی علی، سخن و گفتگوی علی (ع) درس است و سرمشق است و تعلیم است و رهبری است.

همچنان که جذبه‌های علی برای ما آموزنده و درس است، دفعه‌های او نیز برای ما چنین است. علی (ع) او طبقه را سخت دفع

دشمن، مسلمان و غیرمسلمان در مقابل عظمت و شخصیت او سر تعظیم و تسلیم فرود آورده‌اند، حتی دشمنان متعصب و کینه‌جو همچون معاویه و امثال او که می‌خواستند چراغ پرفروغ ولایت و امامت و نور خدا را خاموش نمایند و نام مبارک علی (ع) را از اذهان محو سازند، در بسیاری از موارد به فضایل و برتری آن حضرت اعتراف نموده‌اند.

میخائیل نعیمه، نویسنده و متفکر مسیحی می‌نویسد: «هیچ مورخ و نویسنده‌ای هر اندازه هم که از نبوغ و رادمردی ممتاز برخوردار باشد، نمی‌تواند قیافه کلی از انسان بزرگ مانند علی (ع) در مجموعه‌ای که حتی دارای هزار صفحه باشد، ترسیم نماید.

تفکرات و اندیشه‌های آن ابرمرد تاریخ و گفتار و کرداری را که میان خود و پروردگارش انجام داده، نه گویی شنیده و نه چشمی دیده‌است. تفکرات و ایده‌ها و گفتار و کردار او خیلی بیش از آن است که با دست و زبان و قلم وی بروز کرده و در تاریخ ثبت شده است»^۶.

باری بر آن شدم که در سال منسوب به مولا امیرالمؤمنین علی (ع)، قلم و کاغذ برداشته در کنار ساحل اقیانوس بی‌کران فضایل علی (ع) بنشینم تا شخصیت ممتاز و وصف‌ناشدنی آن رادمرد عالم انسانیت را از دیدگاه دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان در نوشتار کوتاهی بنمایانم تا همگان بنگریم که این ستاره پرفروغ آسمان امامت و ولایت در انتظار اندیشمندان چگونه درخشیده است؟ و چگونه علما و دانشمندان و محققان و نخبگان فرقه‌ها و مذاهب و ادیان جهان، مجذوب شخصیت والای علی (ع) و محو تماشای فضایل بی‌کران آن حضرت گشته و در مقابل عظمت او سر تعظیم فرود آورده و ابراز احساسات و اظهار عقیده نموده‌اند.

امیدوارم این عمل کوچک مورد قبول پروردگار عالم و موجب رضایت آن حضرت قرار گیرد.

هستم بدر قه‌راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من سوختم

کرده است:

۱- منافقان زیرک

۲- زاهدان احمق

همین دو درس برای مدعیان تشیع او کافی است که چشم باز کنند و فریب منافقان را نخورند. تیزبین باشند و ظاهرینی را رها نمایند که جامعه تشیع در حال حاضر سخت به این دو درد مبتلا است.^۶

حسن بن یسار بصری

حسن بن یسار بصری از مشهورترین فقها و دانشمندان قرن اول هجری است. وی می گوید:

«علی بن ابیطالب، ربّانی اَمّت اسلامی و دارای عظمت و سابقه منحصر و نزدیکی با پیامبر اکرم. او هرگز از امر الهی غفلت نوزید و در راه دین هیچ ملامتی در او تأثیر نداشت.»^۷

ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید (شارح نهج البلاغه) از مطلع ترین علمای سنن و متفکر در فلسفه و کلام و صاحب نظر در تاریخ اسلام است. وی می گوید:

«امتیازات علی (ع) از لحاظ عظمت و جلال و شهرت در آن حدّ اعلا است که شرح کردن و بحث و تفصیل دادن آنها ناروا و بیهوده است ...

من چه گویم در حق مردی که دشمنانش توانستند عظمتها و فضایل او را منکر شوند و همه آنان به برتری شخصیت او اعتراف نموده اند.

من چه گویم درباره مردی که همه فضیلتها به او منتهی می شود و هر مکتب و هر گروهی خود را به او منسوب می سازند. اری اوست رئیس همه فضیلتها»^۸

«چه بگویم درباره مردی که اهل همه مذاهب غیر اسلامی که در جوامع اسلامی زندگی می کنند، به او محبت می ورزند و حتی فلاسفه که از مَلِیت اسلامی نیستند، او را تعظیم می نمایند. پادشاهان روم، فرنگ و ترک و دیلم، صورت او را در عبادتگاهها و کالاهای و شمشیرهایشان نقش می زنند»^۹

عبدالفتاح عبدالمقصود

ابن محقق و نویسنده توانا، با بصیرت نافذی که دارد، تا توانسته (مطابق نامش) درهای نوین از تحقیق گشوده، خود و دیگران را به هدف و مقصودی که دارد، رسانیده. با قلم شیوا و رسا و آزادش، پرده های ابهام را از میان برداشته و ارزشمندترین خدمت را به جامعه اسلامی انجام داده است. وی درباره شخصیت علی (ع) اینگونه اظهار عقیده نموده است:

«علی (ع) سراسر عمرش را در پیروی از نمونه عالی کمال و فضیلت گذرانید. در طفولیت خویش فداکار و در جوانی صدیقی وقادار و همواره پیرو پیغمبر بزرگوار و دلباخته رفتار و کردار وی

بود. در خلال این دوره و پس از آن، در مراحل گوناگون زندگیش پیوسته ملازم آخرین حد کمال در اخلاق بود ... پس از درگذشت پیامبر (ص) به درستی از وی راه و روش آموخته بود و به خوبی به شاهره مستقیم پیش رفت و اندکی از آن منحرف نگردید»^{۱۰}

عبدالفتاح در فرازی از مطالب کتابش به جوانمردی و بزرگواری علی (ع) و خلق خشن خلیفه دوم (عمر) اشاره نموده و راز بزرگ را نیز کشف می کند. او می نویسد:

«هرچه روزگار بر عمر می گذشت، رغبتش به مصاحبت با علی (ع) بیشتر می شد و از خوی تند و خشنش می کاست، زیرا گذشت زمان او را از اشتباه و بدگمانی که نسبت به عموزاده پیامبر داشت، بیرون می آورد و پیوسته نواحی روحی و خلق آن جوانمرد، یکی پس از دیگری برایش نمایان می شد و هرچه در احوال و اخلاق دیگر صحابه بیشتر بررسی می کرد، به بزرگواری و فضیلت علی (ع) بیشتر پی می برد و مکانت او در چشمش بالاتر می رفت. گرچه هیچ وقت فضیلت و بزرگواری علی (ع) بر او و بر بسیاری از مردم پوشیده نبود ولی آن حالت نفسانی که پس از بیعت ابوبکر بر عمر چیره شده بود، او را نسبت به هر رقیبی و معارضی بدبین و ناراضی می داشت تا آنکه دست زمان او را نسبت به گذشته اصلاح کرد و روحیه اش تغییر کرد

روزی عمر نزد ابن عباس اعتراف کرد و مهر راز را گشود، گفت: خدایا بیخشی! ... قوم تو نمی توانستند ببینند که نبوت و خلافت هر دو برای شما باشد. اگر هر دو برای شما جمع می شد، از سرفرازی و سربلندی بر آسمان پرواز می کردید»^{۱۱}

دکتر طه حسین مصری

درباره علی (ع) کتابهای بسیاری نوشته شده است تا آنجا که محققین و پژوهشگران بیش از پنج هزار عنوان کتاب درباره ابعاد شخصیت علی (ع) ثبت کرده اند. بعضی از این عناوین دارای چنین جلد می باشد. از همه مهمتر و مستندتر کتاب ارزشمند «علی و فرزندان» تألیف نویسنده بزرگ مصری «دکتر طه حسین» است.

اهمیت این کتاب از آن جهت است که نویسنده آن از اهل سنت و جماعت می باشد. در تدوین این کتاب انصاف و عدالت را مراعات کرده و در نوشتار خود تعصب نشان نداده است و گویا حقایق به وی الهام شده است.

وی به اولویت و تقدّم حضرت علی (ع) بر سه خلیفه پیشین اعتراف نموده و زهد، تقوا، علم، شجاعت، کرم و فضایل علی (ع) و دو فرزندش را تشریح کرده است.

طه حسین می نویسد: «حضرت علی، شخص شایسته و توانایی بود که امید و اعتماد در دل مردم ایجاد می کرد. او پسر عم رسول اکرم (ص) بود و پس از حضرت خدیجه اولین کسی بود که اسلام آورده بود

وقتی محمد (ص) به رسالت مبعوث شد، علی (ع) بیش از ده سال نداشت ولی می توانم بگویم که او با اسلام تشوونما یافت.

نگاهی به اندیشه برخی از مردان بزرگ درباره علی (ع)



بیغمبر (س) او را خیلی دوست و عزیز می داشت.

در موقعی که بیغمبر (س) هجرت کرد، امانت‌های مردم را به علی (ع) داد تا به صاحبانشان پس بدهد و در آن شبی که قریش، کمر به قتل محمد (س) بسته بودند، او به علی (ع) امر کرد که در بسترش بخوابد. پس از آن علی (ع) دنبال محمد (س) به مدینه رفت.

محمد (س) در جنگ خیبر به اصحاب خود گفت: فردا پرچم را به دست کسی می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و آنها هم او را دوست می دارند. چون روز دیگر شد، محمد (س) پرچم را به علی (ع) داد.

حضرت محمد (س) در موقعی که به جنگ تبوک می رفت و علی (ع) را به جای خود در مدینه گذارده بود به وی گفت: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی می باشی، ولی بعد از من بیغمبری نخواهد بود.

حضرت محمد (س) در حجة الوداع به مسلمانان گفت: هر کس را من مولايش هستم، علی مولايش خواهد بود. خدايا دوستدار دوستانش و دشمن دشمنانش باش.

عمر که شیفته مقام علمی و فقهی علی (ع) شده بود، می گفت: علی در قضاوت از همه ما بالاتر است، و هر وقت مشکل قضایی برای او پیش می آمد، از علی (ع) کمک و نظر می خواست. ۱۲

«علی (ع) نه فقط با وعظ امور دینی را بر مردم می آموخت،

بلکه با رفتاری که با آنها می کرد، عملاً آن امور را به آنها می آموخت، از این رو وی برای مردم هم خلیفه بود و هم معلم و هم پیشوا بود.

علی (ع) در کوچه و بازار در میان مردم می گشت و آنها را دعوت به پرهیزکاری می کرد... علی سعی داشت حقی را که مردم از حیث دین بر او دارند، ادا کند و به فقرا شام می داد و نیازمندان را دستگیری می کرد.

چون شب می شد، به عبادت مشغول می گردید و تا دیری از شب به نماز و راز و نیاز می پرداخت و بیدار می ماند. سحر گاهان به مسجد می رفت، مثل این بود که می خواست کسانی که در مسجد هستند، بیدار کند و می گفت بندگان خدا هنگام نماز است.

علی (ع) آتی خدا را فراموش نمی کرد. هر وقت از کارهای مسلمانان فراغت حاصل می کرد در گوشه‌ای تنها می ماند و به ذکر خدا می پرداخت.

علی (ع) هر چه از ولایات و سرزمین سواد می رسید، بین مردم با رعایت عدالت و مساوات تقسیم می کرد.»

«علی (ع) ۱۳ می خواست عدالت را به متبهدارچه در میان مردم برقرار سازد و هیچ فردی را بر دیگری ترجیح و برتری ندهد و لازم می دانست که اموال مسلمین را حفظ کند و فقط آن را در جای خود مصرف کند و او به خود اجازه نمی داد که مردم دست به بیت المال پیدا کنند و همچنین به خود اجازه نمی داد که از بیت المال برای خود و خویشان و نزدیکان خود بیش از قوت لایموت برداشت نماید و اگر هم می توانست از آن مقدار هم کمتر بردارد، کمتر برمی داشت. علی (ع) نمی خواست که پول را در بیت المال حبس نماید، بلکه آن را در مصالح مسلمین به مصرف می رسانید.

علی (ع) دوست داشت که وارد بیت المال شود، اگر در آن چیزی می یافت، آن را میان مردم به عدالت و انصاف قسمت می کرد، پس او آن دستور می داد که بیت المال را جاروب و آب بشی کنند. آنگاه دو رکعت نماز در آنجا می گزارد، می گفت: بیت المال باید چنین باشد.

بنابراین علی (ع) همیشه با مردم اتفاق داشت ولی این اتفاق براساس عدالت بود.

درباره زهد و تقوای علی که برادرش عقیل برای اخذ صله به نزد وی آمد، همین بس که وی به فرزندش حسن گفت: همین که مقرری من از بیت المال پرداخته شد، با عموی خود به بازار برو. یک جام و یک کفش برای او خریداری کن و بیش از این چیزی به برادر نداد.

اما معاویه به همین عقیل که از صله برادر، ناراضی بود و به نزد او رفت، یکصد هزار درهم از بیت المال مسلمین صله داد. معاویه آنقدر که مقهورش بود، به رؤسا و حکام و فرماندهان که می خواستند همراه او باشند، صله و هدیه می داد، بدون اینکه در این اتفاق از بیت المال هیچگونه اشکال و مسؤولیتی ببیند.



علی انه امام الكل «۱۹» این که همه نیازمند علی هستند و علی بی نیاز از همه است، دلیل بر این است که او امام همه (مردم) است.»

دکتر السعاده

وی می نویسد: «قد اجمع المورخون و کتاب السیر علی ان علی بن ابیطالب (ع) کان ممتازا بتمیزات کبری لم یجمع لغيره، هامة فی رجل» ۲۰. «همه مورخان و سیره نویسان اتفاق نظر دارند که علی بن ابیطالب (ع) ویژگی های ممتازی دارد، که دیگران فاقد آنند. علی (ع) ایتهایی یک امت است.»

صاحب بن عباد

صاحب بن عباد درباره علی (ع) می سراید:

انا و جمیع من فوق التراب

فداء تراب نعل ابی تراب ۲۱

«جان من و همه کسان روی زمین فدای خاک پای ابوتراب باد!»

ابوعلی سینا

ابن سینا می نویسد: «چه بگویم درباره کسی که مرکز دایرة الحکمة و کرة العقل و هو علی (ع) فی الصحابة بمنزلة المحسوس من المعقول» مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزانه عقل است. علی (ع) در میان خلق چنان بود که معقول در میان محسوس و بعد این اشعار را می سراید:

تابدة عشق در گلو ریخته اند

و اندر پی عشق عاشق انگیخته اند

در جان و روان بو علی مهر علی

چون شیر و شکر به هم برآمیخته اند» ۲۲

جلال الدین محمد بلخی، معروف به «مولانا»

مولوی یکی از بزرگترین عرفا و متفکرین و حکمای تاریخ است. این شخصیت کم نظیر در هر مورد از کتاب مثنوی که علی (ع) را مطرح می کند، گویی با یک نور ملکوتی روبرو می شود. واژه های عاشقانه ای از اعماق روحش سر برمی کشد. یکی از اشعار معروف خود می گوید:

در شجاعت شیر ربانی امی

در مروّت خود که داند کیستی

ای علی که جمله عقل و دیده ای

شمه ای و اگر از آنچه دیده ای

در جای دیگر می گوید:

گفت هر کس را مسم مولای دوست

این عم من علی مولای اوست

محمد بن جریر طبری

بنابراین طماعان و آژلبیان آنچه را می خواستند، نزد معاویه می یافتند و اما پرهیزکاران و زاهدان آنچه را دوست می داشتند و خواستار بودند، نزد علی (ع) می دیدند.»

«حضرت علی (ع) گرفتار خیانت دوستان و کینه توزی دشمنان بود و باوجود این هرگز از روش صحیح و استوار خود منحرف نمی شد.

محتتها پی در پی به او روی می آورد. خیانتها و بدیهای زیادی می دید و زندگی بی اندازه بر او تنگ می شد. اما باز هم مقاومت می کرد و در تصمیم او تغییری حاصل نمی شد.

وقتی در رفتار علی (ع) غور و اندیشه می کنیم و ایستادگی او را در برابر مشکلات بررسی می نمایم، می بینم که به راستی او شایستگی داشته ... و اگر ظروف روزگار با او یاری می کرد، مردم را به پیروزی و رستگاری می رسانید.» ۱۴

محمد بن ادریس (شافعی)

شافعی در جواب کسی که از او از فضایل علی (ع) سؤال کرده می گوید: «ما نقول فی حق من اخفت اولیائه فضائله خورفا و اخفت اعدائه فضائله حسدا و شاع من بین ذین ما ملأ الخافقین» ۱۵. «چه بگویم در حق کسی که دوستانش از ترس، فضایل او را پنهان داشتند و دشمنانش به خاطر کینه و حسادت، مناقبش را مخفی کردند ولی با این وجود فضایل او آنچنان شایع شد که شرق و غرب را پر کرد.»

موفق بن احمد خوارزمی (حنفی)

خوارزمی در کتاب خود به نام «المناقب» ۲۷ فصل درباره فضایل علی (ع) مطلب نوشته و در مقدمه کتاب خود، روایتی را با سند ذکر نموده می گوید: «پیامبر (ص) فرموده است: اگر درختان قلم، دریاها مرکب و جنیان شمارشگر و انسانها نویسندگان شوند، نتوانند فضایل علی (ع) را احصا و شمارش نمایند.» ۱۶

محمد بن اسحاق واقفی

واقفی درباره امام علی (ع) اینگونه اظهار نظر می کند: «ان علیا کان من معجزات النبی (ص) کالعصا لموسی و احياء الموتى لعیسی (ع)» ۱۷. علی (ع) معجزه پیامبر اکرم (ص) است همانند عصای موسی و مرده زنده کردن حضرت عیسی (ع).

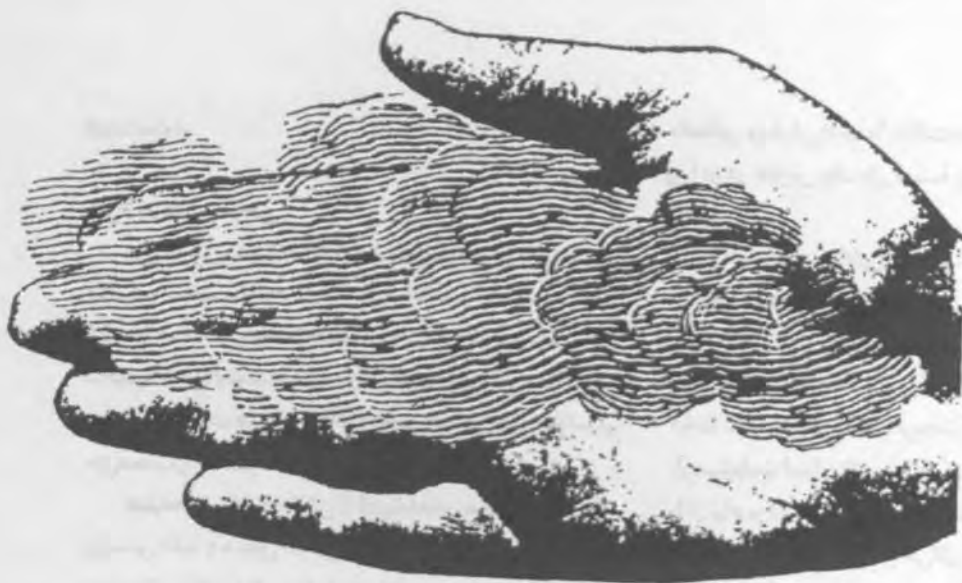
فخر رازی (مفسر بزرگ قرآن)

فخر رازی می نویسد: «من اتخذ علیا اماما لدینه فقد استمسک بالعروة الوثقی فی دینه و نفسه» ۱۸. «هر کس برای دینش علی را به عنوان امام خود برگزید (و او را الگوی خود قرار دهد)، به دستگیره استوار و مطمئن چنگ زده است.»

خلیل بن احمد (صاحب علم العروض)

وی می گوید: «احتاج الكل الیه و استغناة عن الكل، دلیل





خطبات خوامع

می باشد.»

جبران خلیل

این نویسنده معروف مسیحی می نویسد، به عقیده من فرزند ایطالب نخستین کسی بود از عرب که با روح کلی جهان ارتباط و پیوستگی یافت و علی (ع) از جهان رفت در حالتی که شهید عظمت و دانش خود شد. ۲۷ نیز می نویسد که: ایلیا پاولویچ، خاورشناس شوروی و استاد دانشگاه دولتی لنینگراد می گوید علی (ع) پرورده محمد (ص) بود و همه صفات لازمه اولیاء الله و تمام دانشها در وجودش جمع بود.

(شماره برگزیده به نقل از کتاب شخصیت حضرت ابوالفضل (ع)، ص ۸)

بولس سلامه

بولس سلامه، دانشمند شاعر مسیحی می نویسد: مسیحیان هم در اجتماعات خود از علی (ع) سخن می گویند و از تعلیمات دانش او سرمشق می گیرند و علی (ع) جایی را اشغال کرده است که یک دانشمند او را ستاره درخشان آسمان علم و ادب می بیند و دانشمندان علوم بر تحقیقات و پدیده های او تکیه می کنند.

از تمام علوم و اصلاح و تمکن علمی به اندازه در وجود علی (ع) جمع بود که باید او را یکباره از علوم عالم دانست و اگر کسی مرا منع کند که چرا چنین اظهار نظر می کنی، با اینکه تو نصرانی هستی؟ در پاسخ می گویم، نویسنده تاریخ در عالم آزادی کامل در اظهار نظر دارد و من با زحماتی که در پیدایش علوم کشیده ام، سرحد کمالات و فضایل را از آن سرور می دانم.

شبل شیل

شبل شیل، پیشوای مکتب مادی می گوید: «الامام علی بن ایطالب عظیم العظماء نسخه مفردة لم یر مثلها الشرق و لا الغرب، صورة طبق الاصل لا قدیما و لا جدیدا» ۲۸ یعنی «علی بن ایطالب بزرگ بزرگان یگانه نسخه ای است که نه شرق و نه غرب، نه دیروز و نه امروز نسخه مطابق این اصل را

طبری در ذخایر العقبی از عمر روایت می کند که گفت: شنیدم پیامبر (ص) فرمود: «لو ان السموات السبع و الارضین السبع وضعت فی کفة و وضع ایمان علی (ع) فی کفة لرحح ایمان علی (ع)» ۲۳ «اگر آسمانها و زمینهای هفتگانه در کفه ای از ترازو گذاشته شود و ایمان علی در کفه دیگر آن، ایمان علی بر آنها سنگینی می کند».

علامه ابن مغزلی

مغزلی و دیگران با ذکر سند از عایشه نقل کرده اند که گفت: دیدم پدرم ابوبکر به طور فراوان نگاه به چهره علی (ع) می کند. گفتم ای پدر، از چه رو اینقدر به صورت علی (ع) نگاه می کنی؟ گفت: ای دخترم، شنیدم رسول خدا (ص) فرمود: «النظر الی وجه علی عبادة» «همانا نگاه به صورت علی (ع) عبادت است» ۲۴.

خطیب خوارزمی

خطیب خوارزمی با ذکر سند از عمر ابن عبدالعزیز نقل نموده که گفت: «ما علمنا ان احدا کان فی هذه الامة بعد النبی (ص) ازهد من علی بن ابی طالب (ع)» ۲۵ «ما در بین این امت بعد از رسول خدا (ص) احدی را نمی شناختیم که از علی بن ایطالب (ع) زاهدتر باشد».

ابوعیسی ترمذی

ترمذی در شرح رساله (فتح المبین) می گوید: «كانت الصحابة رضی الله عنهم یرجعون الیه فی احکام الكتاب و یأخذون عنه الفتاوی کما قال عمر بن الخطاب (ص) فی عدة مواطن لو لا علی لهلك العمر، و قال رسول الله (ص) اعلم امتی علی بن ایطالب (ع)» ۲۶.

«صحابه پیامبر (ص) در احکام قرآن به علی (ع) مراجعه می کردند و فتاوی از او می گرفتند. کما اینکه عمر در مواطن متعدده گفت، اگر علی نبود، عمر هلاک شده بود و رسول اکرم (ص) فرمود: داناترین امت من علی بن ایطالب (ع)

ندیده است».

جامه‌اش چه فرقی داشت؟ شگفت نخواهد بود ای دوست پیامبر! زیرا تو در نظرش یک بال فرشته‌روشنایی بودی و خودش بال دیگر.

جرج جرداق مسیحی

جرج جرداق، علی (ع) را از دید عمیق نگریسته و به درستی و عظمت و شخصیت امام علی (ع) پی برده است. او با وجود اینکه کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية» را در پنج جلد درباره شخصیت علی (ع) نوشته است، باز می‌گوید: من هنوز در تجزیه و تحلیل شخصیت علی بن ابیطالب مقصر هستم، یعنی نتوانستم حتی مطلب را ادا کنم.

خطبه‌های علی (ع) حاکی از اندیشه‌های معجزه‌آساست که براساس دقت و منطق صحیح استوار است. راستی چنین دقتی حیرت‌زا است! زیرا علی (ع) در ایراد خطبه‌های خود، آمادگی قبلی را ولو برای چند لحظه نداشت. خطبه‌های خود را بدون آمادگی قبلی ایراد می‌کرد. این خطبه‌ها چنان در افکار علی (ع) جوشش داشت که مانند برق که بی‌خبر جهش کند، یا صاعقه ناگهانی بی‌مقدمه به وقوع بپیوندد و یا گردبادی ناگهانی وزیدن بگیرد و همه را با خود بپیچد و جاروب کند، بود.^{۲۹}

سلیمان کتانی

«سلیمان کتانی» که کتابش در مسابقه ممتاز شناخته شد و جایزه اول را گرفت، در مقدمه آن می‌گوید: کتابم را به نام «علی بن ابیطالب نبراس و متراس» تقدیم می‌کنم و با یاد نام بزرگش سر تعظیم فرود می‌آورم تا از او به‌خاطر هر لغزشی که ندانسته و نخواسته از من سر زده، پوزش بخواهم، چون قلم من بیش از این قدرت نداشت تا بتوانم آن را در عوالم پهنآوری به‌گردش درآورم که روح این نادره‌مردی که برترین نابغه گیتی است، به‌پرواز درآمده است...^{۳۰}

این ادیب مسیحی درباره نقش علی (ع) اینچنین اظهار عقیده می‌کند:

از تو ای فرزند ابوطالب، معذرت باید خواست!... زیرا نقش تو در گردونه دین و نهضت اسلام نقشی است که محور در اسباب دارد.

راهی که همراه پیامبر و در مصاحبتش پیموده‌ای، گواه متانت رفتار و درستی راه تو است... شاید چندین سال بود که تنها می‌رفت و تو در کنارش بودی و این‌غیر از سالهای دیگری است که با او بودی. در تنهازیستی او و در تنهاسرنوشتی، و در تنها رفتاری، و در تنها اندیشی.

کدام اندیشه و احساس درونی را داشته که تو با وی شرکت نداشته‌ای ای رفیق راه و زندگانی و بیکار! آن هم راه پرپیچ‌وخم و پرفراز و نشیب، و زندگانی پرنج و گرفتاری و بیکار پرمسئولیت و پرخطر.

چه خوش دوستی برای او بودی! دوستی که خانه دل دوست باشد و شریک غم و شادی او... یک روح باشند در دو بدن... هنگامی که به‌جای او در بسترش آرمیدی، لیاقت با

او مدینه علم و دانایی بود و تو دربانش.

تو همسر دختر - پاره جگر - ش بودی، همان فاطمه رهرا که بانوی بانوان جهان است، و پیوند تو با او، پیوند قلب با تن است و پیوند مردمک دیده با سیاهی آن. کدام اندیشه در ذهنش بارور گشت که تمرش در دامنت نریخت؟ و کدام تصمیم را گرفت که بار مسؤولیت اجرایی‌اش بر شانه‌ات نهاده نشد؟ و کدام شمشیر را از نیام برکشید که تو به خون دشمنان دین رنگین نساختی؟ حتی وقتی خواست جان گرامی‌اش را به جان آفرین تسلیم کند، آغوشی جز آغوش را نپسندید و از آغوش تو به آغوش رحمت پروردگارش فراغتتید.^{۳۱}

پی نوشت‌ها:

- ۱- سورة آل عمران / ۵۴.
- ۲- سورة بقره / ۲۰۴.
- ۳- مناقب خوارزمی، ص ۲.
- ۴- تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷۴، محمدتقی جعفری.
- ۵- یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، ص ۱۷.
- ۶- جاذبه و دافعه علی، ص ۱۹۱.
- ۷- همان، ص ۱۸۲.
- ۸- همان.
- ۹- شیخ احمد رحمانی، الامام علی بن ابیطالب، ص ۹۱.
- ۱۰- عبدالفتاح عبدالمقصود، امام علی، ص ۶۷.
- ۱۱- همان، ص ۳۸۸.
- ۱۲- علی و فرزندان، ص ۱۹.
- ۱۳- علی و فرزندان، ص ۱۶۷.
- ۱۴- همان منبع، ص ۱۹.
- ۱۵- مناقب خوارزمی، ص ۷.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- شیخ احمد رحمانی همدانی، الامام علی بن ابیطالب، ص ۹۱.
- ۱۸- فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۷.
- ۱۹- الامام علی بن ابیطالب، ص ۹۱.
- ۲۰- همان.
- ۲۱- همان.
- ۲۲- تفسیر نهج البلاغه، محمدتقی جعفری، زبدة التألیف، ج ۱۹، ص ۱۲۳.
- ۲۳- ذخایر العقبی، ص ۱۰۰.
- ۲۴- مناقب خوارزمی، ص ۲۶۱.
- ۲۵- شبهای پیشاور، ص ۸۵۸.
- ۲۶- همان.
- ۲۷- صلاهی عدالت انسانی، ج ۶.
- ۲۸- الامام علی، ج ۱، ص ۷.
- ۲۹- زیبایی‌های نهج البلاغه، ص ۱۶ و ۲۳، ترجمه محمدرضا انصاریان.
- ۳۰- امام علی، مشعلی و دژی، ص ۷.
- ۳۱- امام علی (ع)، اثر سلیمان کتانی، ص ۶۲.

نگاهی به اندیشه برخی از مردان بزرگ درباره علی (ع)

